



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۱ Spring ۲۰۲۲

مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی در ایران

اکرم محمدزاده^۱ جمال بیگی^۲ فاطمه احدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

چکیده

کلاهبرداری رفاهی، فریب دادن نهادهای دولتی برای اخذ امتیازات رفاهی بیشتر است. هدف پژوهش حاضر تبیین و مطالعه همه جانبه مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی در ایران می باشد که با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که: کلاهبرداری رفاهی به عنوان یکی از جرایم اقتصادی و از نظر فقه جرمی بر علیه بیت المال و تحصیل نامشروع مال است. در واقع مرتکبان جرایم یاد شده افرادی با هوش و تنها از طریق کلاهبرداری رفاهی می تواند از نتایج فعالیت های مجرمانه خود بهره مند شوند. افراد کلاهبردار هم به خاطر خلاهای قانونی و با خلاقیت بیش تری مرتکب جرم کلاهبرداری رفاهی می شوند. مبانی جرم انگاری جرم کلاهبرداری رفاهی در فقه عبارت اند از: اصل حرمت اکل مال به باطل، اصل لاضرر، اصل مصلحت، اصل امانت داری، اصل نظم، و مبانی حقوقی آن مانند اصل ضرر، اصل امنیت، اصل پدرسالاری قانونی، اصل اخلاق گرایی قانونی را می توان نام برد. که بر اساس این اصول می توان جرم انگاری جرم کلاهبرداری رفاهی را توجیه کرد.

کلید واژه: کلاهبرداری رفاهی، جرم انگاری، فقه اسلامی، حقوق ایران.

a.mohamadzade.۰۹۴@gmail.com

jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

Ahadi-۲۲۳@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسؤول)

۳. استاد یار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

مقدمه

امروزه کلاهبرداری از جمله جرایم مبتلابه همه کشورهای دنیا محسوب می شود و چون معمولاً از ناحیه افرادی با بهره هوشی بالا ارتکاب می یابد، غالباً جزء جرایم یقه سفیدان محسوب شده و این قضیه مال باختگان و مقامات قضایی دادرسی را در اثبات وقوع جرم و انتساب آن به مرتکب، دچار مشکل مضاعف می نماید. از طرف دیگر هیچ قانونگذار عادی، نمی تواند در زمان تصویب یک قانون، کلیه مسایل و مشکلاتی را در آینده و متأثر از گذشت زمان ایجاد خواهد شد پیش بینی نماید. کلاهبرداران نیز که گویا همیشه یک قدم جلوتر از قانون گذار و چه بسا حقوق دانان حرکت می نمایند، با سوء استفاده از نقایص و کاستی های مواد قانونی، سعی می کنند به نحوی عمل نمایند که در صورت تشکیل پرونده کیفری و ایراد اتهام علیه آنان، به سادگی بتوانند از اتهام کلاهبرداری شانه خالی نمایند. (قیاسی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۴) از این رو، تحول در موضوعات مربوط به نظام اقتصادی در حوزه جرم انگاری و بالانحص جرم انگاری های مربوط به ساختار نظام اقتصادی جامعه موثر خواهد بود. اگر ارزشی که جوامع برای حق مالکیت و امتیازات رفاهی قائل اند منتهی به جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی می شود.

جرم انگاری، موضوعی حقیقی در حقوق جزا است که به اعمال، جنبه جزایی می دهد و برای آن ها مجازات معین می کند. عمل محکوم شده عملی است که ممنوع بوده و به عنوان عمل جزایی همراه با مجازات توجیه می شود. بر طبق تعریف سوئیک آنتو، جرم انگاری به عنوان محدوده ای است که قانونگذار معین کرده و برای آن مجازات یا سرزنش به وسیله اعضای جامعه یا حکومت در نظر گرفته شده است (Soekanto, ۱۹۸۱, p. ۶۲).

ویقنچسوبروت نیز بیان می کند که جرم انگاری بیانیه ای است که معین می کند عملی باید عمل جنایی باشد که در نتیجه قضاوت های هنجاری در نظر گرفته شده است و محصول نهایی یک تصمیم است (Campbell, ۱۹۷۹, p. ۲۷۳). جرم انگاری می تواند به عنوان جریانی که برای عمل فرد مجازات معین می کند تعریف شود. این فرآیند به وسیله یک عملی که موضوع آن مجازات کیفری است نهایی شده است (Sudarto, ۱۹۸۶, p. ۳۱). گذشته از آن، تعریف جرم انگاری می تواند هم چنین بر اساس چشم انداز ارزش ها ارزیابی شود. جرم انگاری، یک دگرگونی ارزش ها است که سبب می شود تعدادی از اعمال که قبلاً محکوم شده نبود و تحت پیگرد قانونی قرار نمی گرفت حال همان اعمال محکوم شده باشد و تحت پیگرد قانونی قرار گیرند (Effendi, ۱۹۸۶, p. ۶۴-۶۵). در این دیدگاه، جرم انگاری تعیین شده توسط قوه مفسنه که به رفتارهای بشری بر حسب عمل جنایی می زند منظور است (Barlaw, ۱۹۸۴, p. ۹).

رسول خدا (ص) فرمود: «إِذَا وَسَدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ»^۱ «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَةَ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاءِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاءُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَةِ»^۲ (خطبه ۲۱۶) امیرالمومنین (ع) - این هشدارهای پیامبر اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) برای هدایت جامعه اسلامی و برقراری عدالت، انگار نیاز امروز جامعه ماست. اگر جلوی دست اندازی به اموال عمومی و غارتگری بیت المال توسط برخی مدیران و مردمی که مستی اشرافیگری وجود آنها را فرا گرفته، گرفته نشود، حسب تذکرات رهبر معظم انقلاب که بر گرفته از این هشدارها است، فرهنگ جاهلیت اشرافی گری به جامعه سرریز خواهد کرد و کشور را در معرض تهدید قرار خواهد داد. اما آن چه که می تواند جلوی این تهدید را بگیرد، براساس فرمایش مولا علی (ع) مطالبه مردم و افکار عمومی از مسئولان برای پیگیری و

^۱ آنگاه که کار به دست نااهل سپرده شود، منتظر قیامت و هلاکت باشید.

^۲ پس مردم صالح نمی شوند مگر به اصلاح زمامداران، و زمامداران صالح نمی شوند مگر با استقامت مردم

برخورد قاطع با غاصبان اموال عمومی و ثروت‌های بادآورده از جمله حقوق‌های نجومی، یا اخذ امتیازات رفاهی دولت به طور غیر قانونی و مقاومت مردم بر این مطالبه خود است.

لذا، هر گونه تصرف در اموال دولتی که بدون مجوز و اذن از طرف ولی فقیه یا قانون باشد، خلاف اصل امانت داری تلقی شده و تحت عنوان کلی «خیانت در بیت المال» از جرایم اقتصادی تلقی می‌گردد. جرایمی مانند اختلاس، مداخله مقامات مسئول در معاملات دولتی، تبانی در معاملات دولتی و تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت جرایمی هستند که در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جرم اقتصادی دانسته شده و مبنای جرم انگاری آن‌ها نیز خیانت در امانت نسبت به اموال بیت المال است.

مساله مورد کنکاش این مقاله، مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی است. که تاکنون نظریه پردازی متقنی در این خصوص صورت نگرفته است. این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که مبانی فقهی و حقوقی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی چیست؟ جایگاه کلاهبرداری رفاهی در فقه چگونه است؟ در حقوق ایران کلاهبرداری رفاهی جرم انگاری شده است؟ در ابتدای بحث به تعریف جرم کلاهبرداری رفاهی و جرم انگاری و بیت المال اشاره شده و در مبحث بعدی به مبانی فقهی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی، از جمله حرمت اکل مال به باطل، اصول لاضرر، مصلحت، نظم، امانت داری و مبانی حقوقی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی، مانند اصول ضرر، امنیت، پدرسالاری قانونی و اخلاق‌گرایی قانونی مورد اشاره قرار گرفته است.

۱- مفاهیم

در ابتدا مفهوم جرم انگاری و کلاهبرداری رفاهی و بیت المال بیان می‌شود تا با شناسایی دقیق مفهوم اصطلاحی، بتوان محدوده بحث را مشخص نمود و وارد مبحث شد.

۱-۱- جرم انگاری

جرم انگاری را به تعبیری می‌توان نوعی محروم سازی اجتماعی^۱ دانست. به لحاظ تاریخی، ریمون گسن آغاز جریان جرم انگاری را از میانه های قرن ۱۹ می‌داند که از دهه ۱۹۳۰ همراه با شتاب بیشتری بوده است. به نظر وی توسعه این جریان مولود سه عامل است: ضرورت ارضای نوین کیفری ناشی از توسعه تکنولوژیک و مقتضیات اقتصادی و اجتماعی به مانند انفورماتیک، ظهور پدیده های غیر انسانی نوظهور که قربانیان آن‌ها باید تحت حمایت دولت قرار می‌گرفتند نظیر نژاد پرستی، خشونت علیه زنان، و... و توسعه تکنوبورو کراتیک دولت، مثل شهرسازی که مقرارت دولتی متعددی را با خود به همراه آورده است. این مفهوم در حقوق کشورهای اروپایی و آمریکایی از حدود سال های ۱۹۶۰ به بعد، به طور جدی سیر شناخت و تحول و تکامل خود را سپری کرده است.

اصطلاح مرکب «جرم انگاری» تشکیل شده از دو کلمه «جرم» و «انگاری» که مصدر آن انگاشتن و به معنی تصور، پندار، گمان فرض و... است و در مجموع منظور از آن تلقی کردن اعمال و رفتارهایی تحت عنوان عمل مجرمانه در نقطه شروع یا صفر می‌باشد (محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲) در انگلیسی برای کلمه «جرم انگاری»^۲ در مقابل آن را به معنی «جرم زدایی»^۳ به کار برده اند. در مقام تعریف می‌توان گفت «جرم انگاری فرآیندی است حقوقی و گزینشی که طی آن قانونگذار یک کشور، رفتاری را با توجیه مبنایی خاص مثلاً حفظ ارزش های اجتماعی، نظم عمومی یا مبانی اخلاقی مذهبی و... جرم تلفی کرده و برای آن ضمانت

۱. Social exclusion

۲. Criminalization

۳. decriminalization

اجرای کیفری تعیین می‌کند. در این فرآیند، باورها و رفتارها به وسیله جرم و کیفر از طریق قانونگذاری یا آراء قضایی، تغییر شکل می‌یابند.» (Michalowski, ۱۹۸۵, p. ۶) بنابراین جرم انگاری فرآیندی است، چرا که تصویب عنوانی مجرمانه نیازمند مشورت و ملاحظات بسیاری از جنبه های فردی و اجتماعی است. گزینشی است؛ زیرا از میان رفتارهای ناقص هنجارهای پذیرفته شده یا اخلاص کننده در زندگی فردی و اجتماعی، برخی را در دایره کیفری قرار می‌دهند و نه همه را. پایه این گزینش گری، مبانی و اصولی است که برای مداخله دولت وجود دارد.

۲-۱- کلاهبرداری رفاهی

منظور از کلاهبرداری رفاهی، فریب دادن نهادهای دولتی برای اخذ امتیازهای رفاهی بیشتر است. (وایت وهنيس، ۱۳۸۶، ص ۵۱) اگر فرد فکر کند که در موقعیت اقتصادی مغلوب یا پایین باقی خواهد ماند و امکان ترقی و تغییری در جایگاه اجتماعی وی، پیش نخواهد آمد و به عبارت دیگر فکر کند موقعیت اقتصادی ثابت باقی خواهد ماند، این تفکر او را سوق می‌دهد به این که راهکاری برای این وضعیت خود بیابد. یکی از این پاسخ ها ارتکاب جرم و تشکیل خرده فرهنگ مجرمانه برای دستیابی به اهداف است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴، ص ۷۴) برخلاف تحلیل های علت شناختی گذشته، عده ای از نویسندگان معاصر، ارتکاب جرم کلاهبرداری را با نظریه «نظریه فرصت جرم» تبیین می‌کنند. این نظریه نسبت به نقش شخصیت در گذر از اندیشه به فعل، بی اعتنا است و افزایش میزان کلاهبرداری در وضعیت کنونی را، با رشد و توسعه قابل توجه فرصت های کلاهبرداری توجیه می‌کند. (گسن، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰) افرادی که در سطوح پایین تر نردبان اقتصادی- اجتماعی قرار دارند، به احتمال زیاد فرصت های محدود شده بیشتری را نسبت به آنانی که از خانواده های ثروتمند یا مرفه هستند، تجربه خواهند کرد. به عنوان نمونه، یکی از شرایط متقاضیان دریافت مسکن مهر در شهر تهران، سابقه سکونت ۵ ساله متقاضیان بود تا بتوانند از مسکن مهر شهرهای جدید اطراف تهران استفاده کنند. اما در ابتدای ثبت نام مسکن مهر، مدارکی که ثابت می‌کرد متقاضیان شرایط مسکن مهر را دارند، به راحتی با جعل یک اجاره نامه قابل دسترس بود و تعداد قابل توجهی توانستند با جعل مدارک، برای مسکن مهر ثبت نام کنند. سر انجام دولت در سال جاری اعلام کرد که اجاره نامه را برای احراز شرایط ۵ ساله سکونت، قبول ندارد و باید مدارکی از جمله شناسنامه فرزند، برای اثبات سکونت ارائه شود و بدین ترتیب بخش قابل توجهی از متقاضیان در آستانه تحویل واحدها حذف شدند.

بر اساس بند الف ماده ۷ قانون هدفمندی، پرداخت یارانه نقدی بر اساس میزان در آمد خانوار و به سر پرست خانوار پرداخت می‌شود. طبق آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون هدفمندی، وزارت رفاه و تامین اجتماعی موظف است با استفاده از پایگاه، نسبت به گروه بندی خانوارهای جامعه هدف با توجه به میزان در آمد خانوارها اقدام کند (ماده ۵ آیین نامه). بر این اساس، قبل از آغاز اجرای قانون، این وزارت خانه با استناد به پرسشنامه های جمع آوری شده در مرکز آمار ایران، که حاوی اطلاعات اقتصادی خانوارها بود و نیز نتایج راستی آزمایی، اقدام به طبقه بندی خانوارها در قابل سه خوشه در آمدی نمود. این ایده، که در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ تا پای اجرا نیز رفت، به دلیل اعتراضاتی که با اعلام سه خوشه اول، دوم و سوم پدید آمد، از دستور کار خارج شد؛ چرا که ایرادهای بسیاری بر آن وارد بود و مشکلات فراوانی ایجاد می‌کرد. از جمله این که اغلب حقوق بگیران دولتی را که در آمد های کاملاً مشخص داشتند در خوشه سوم (خوشه محروم از یارانه نقدی) قرار داده بود و برخی سرمایه داران بزرگ رادر خوشه اول و دوم. با وجود این دولت مردان در نهایت اعلام کردند که به همه در خواست کنندگان به طور مساوی یارانه نقدی پرداخت خواهند کرد (واعظ، ۱۳۸۹، ص ۱)

این نحوه ارزیابی در آمد خانوارها، که به نظر می رسد مبتنی بر اطلاعات خام ناشی از پرسشنامه ها باشد، باعث می شود تا کسانی که فکر می کنند در حول و حوش میانه در آمدی جامعه هستند، به شدت تلاش کنند تا با کم اظهاری دارایی ها و میزان در آمد شان، بتوانند در گروه دریافت کننده یارانه قرار بگیرند. در سر شماری ای که در سال ۱۳۹۰ انجام شد، هنگامی که ماموران جمع آوری آمار از خانوارها درباره مالکیت دارایی ها (مسکن، خودرو و تجهیزات) می پرسیدند، احتمال این که جوابی صحیح دریافت کنند، کمتر بود. چرا که هر کس می کوشد با کم اظهاری در باره دارایی اش، خود را در واجد دریافت یارانه و خدمات دولتی قلمداد کند. علاوه بر این، انگیزه های غلطی برای داشتن در آمد کمتر یا پس انداز کمتر با امید دریافت یارانه نقدی به وجود آمده است.

۳-۱- بیت المال

حضرت علی(ع) در خطبه دویست و بیست و چهارم، در مقام تبیین قبح ظلم و دوری از آن و اهتمام به رعایت حقوق مردم در بیت المال، می گوید:

و الله! لَأَنْ أُبَيِّتَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجْرَ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لَشَيْبَةٍ فِي الْحَطَامِ ...
و الله! لقد رأيتُ عقيلًا و قد أملق حتى استمأخني من بُرْكم صاعًا، و رأيتُ صبيانه شعثَ الشعور، عُبرَ الألوان من فقرهم كأنما سَوَدَتْ و جوههم بالعظم و عاودني مُوكِّدًا و كررَ عليّ القولَ مُرَدِّدًا فأصغيتُ إليه سمعي، فظنَّ أنني أبيعُه ديني و أتبعُ قيادَه مُفارقًا طريقتي، فأحميتُ له حديدَه، ثم أدنيتها من جسمه ليعتبر بها، فضحَّ ضجيجَ ذي دَنفٍ من ألمها، و كاد أن يحترقَ من ميسمها. فقلتُ له: «تكلتكَ الثواكل! يا عقيل! أتئنُّ من حديدَه أحماها إنسانها للعبه و تجرُّني إلى نارِ سجرها جبارها لغضبِه؟ أتئنُّ من الأذى و لا أتئنُّ من لظي؟»^۱

از جمله مطالبی که در فرمایش های علی علیه السلام در باره بیت المال به چشم می خورد و بر آن تأکید شده، عبارت است از اینکه اجرای عدالت، از وظایف اصلی و اساسی حاکم اسلامی است و در هیچ شرایطی، نباید از آن چشم پوشی کند.

«أيُّها الناس! إنَّ لي عليكم حقًّا و لكم عليّ حقٌّ فأما حقُّكم عليّ فالنصيحةُ لكم و توفيرُ فيئكم عليكم»^۲

۲- مولفه های فقهی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی

در این قسمت از تحقیق به بررسی مولفه های فقهی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی اشاره می شود.

۱-۲- حرمت اکل مال به باطل

۱. سوگند به خدا! اگر بر روی خارهای سعدان، به سر ببرم و یا با غل و زنجیر، به این سو و آن سو کشیده شوم، خوشتر دارم تا خدا و پیامبرش را، در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان، ستم، و چیزی از اموال را غصب کرده باشم! به خدا سوگند! برادرم، عقیل، را دیدم که به شدت، تهدست شده و از من، درخواست داشت تا یک من از گندهای بیت المال را به او ببخشم. کودکش را دیدم که از گرسنگی، دارای موهای ژولیده و رنگشان تیره شده بود، گویا با نیل، رنگ شده بودند. پی در پی، مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می کرد. چون گفته های او را گوش فرا دادم، پنداشت که دین خود را به او واگذار می کنم و به دلخواه او، رفتار، و از راه و رسم عادلانه خود، دست برمی دارم. روزی، آهنی را در آتش گذاخته به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم. پس چونان بیمار، از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم: «ای عقیل! گریه کنندگان بر تو بگیرند! از حرارت آهنی، می نالی که انسانی، به بازیچه، آن را گرم ساخته، اما مرا، به آتش دوزخی می خوانی که خدای جبارش، با خشم خود، آن را گذاخته است؟ تو از حرارت ناچیز، می نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم؟».

۲. ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من، حقی واجب شده است: حق شما بر من، آن است که از خیرخواهی شما، دریغ نورزم، و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم.

یکی از ادله اساسی در جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی، حرمت اکل مال به باطل است. تحصیل، استفاده های ناروا و تصرفات ظالمانه در اموال و از بین بردن حقوق دیگران، معاملات خسارت بار، ضرری و غرری، رشوه، ربا، کلاهبرداری، اکل مال به باطل است بنابراین اکل مال به باطل یک نظریه عمومی است و تمام روابط اقتصادی و تحصیل ثروت از رهگذر باطل را شامل می شود در فقه چنین اقدامی سبب هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه مومنین است. (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۷)

۱-۱-۲- جوهره اکل مال به باطل

گفته می شود اکل مال به باطل حکم وضعی می باشد مراد از حکم وضعی بی اثر بودن هرگونه اقدام برای کسب مال از غیر طریق و اسباب مشروع است. هدف نظام مالی در فقه اسلامی این است که انسان ضروریات و مایحتاج خود را به طریق و وسایل متعددی که شارع آن ها را در اختیار او گذاشته به دست آورد، و در این نظام حتی تحصیل بیش از آن چه که انسان به آن احتیاج دارد جایز شمرده شده است. به بیان دیگر، حق تحصیل ثروت و افزایش دارایی به رسمیت شناخته شده است و دلیل آن تشریح احکام میراث در آیات متعدد قرآن کریم می باشد در منطق مالی اسلام کسب ثروت و تحصیل اموال زائد بر احتیاج جایز و مباح می باشد. (همان منبع) کلاهبرداری رفاهی نیز مصداق اکل مال به باطل است

۲-۲-۲- مستندات اکل مال به باطل

مستندات این اصل در قرآن و روایات را در دو بخش بررسی می نمایم.

- قرآن کریم

به قاعده «حرمت اکل مال به باطل» در آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء و آیه ۱۸۸ سوره بقره اشاره شده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (سوره نساء / ۲۹).

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/۱۸۸)

برای توضیح این اصل، چهار واژه «اکل»، «مال»، «باطل»، و «بین» را مورد بررسی قرار می دهیم.

اکل: منظور از اکل اموال مردم، گرفتن آن و یا مطلق تصرف در آن است که به طور مجاز، خوردن مال مردم نامیده می شود.

این تصرفات شامل تصرفات اعتباری یعنی تملک و تصاحب هم می شود (گرجی، ۱۳۸۳، ص ۲۴)

واژه اکل در مواردی که تسلط در آن عمل وجود دارد استعمال می شود. (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۱۳)

مال: کلمه (اموال) جمع مال است که به معنای هر چیزی است که مورد رغبت انسان ها قرار بگیرد و بخواهد که مالک آن

شوند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۵۲) محقق بجنوردی مال را به سه قسم تقسیم کرده است: قسم اول اعیان و جواهر، قسم دوم عوارض یا منافع و قسم سوم اموال اعتباری نظیر اوراق و اسناد مالی. هم چنین ایشان تمام چیزهایی که حوایج و امور زندگی انسان به وسیله آن بر طرف می شود یا می تواند وسیله تحصیل آن امور قرار گیرد را به عنوان مال شمرده است (بجنوردی، ۱۴۹۱، ص ۳۰).

۱. ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتمی باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)، و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان است.

۲. و مال یکدیگر را به ناحق مخورید و آن را به نزد قاضیان نیفکنید که (به وسیله رشوه و زور) پاره‌ای از اموال مردم را بخورید با آنکه (شما بطلان دعوی خود را) می‌دانید.

باطل: کلمه (باطل) در مقابل حق است که به معنای امری است که به نحوی ثبوت داشته باشد، پس باطل چیزی است که ثبوت ندارد. باطل از ریشه بطل به معنای نابودی و ناپداری و ضد حق است (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۲).

باطل از نظر لغوی به معنای ضد حق است بنابراین حرام تصرفاتی خواهد بود که فاقد سبب مشروع و حق هستند. (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۱۳)

بین: این که حکم می خورید مال خود را به باطل را مقید کرد به قید (بینکم) دلالت دارد بر این که مجموعه اموال دنیا متعلق است به مجموعه مردم دنیا. منتها خدای تعالی از راه وضع قوانین عادلانه، اموال را میان افراد تقسیم کرده تا مالکیت آنان به حق تعدیل شود. تصرفات بیرون از آن قوانین هرچه باشد، باطل است.

صاحب تفسیر المیزان در توضیح آیه شریفه ۱۸۸ سوره بقره آورده که این آیه عمومیت دارد و آیه بیانگر آن است که هر تصرف یا دارا شدنی که مطابق با شرع نبوده و از طریق اسباب غیر قانونی حاصل شود، باطل و غیر قانونی است.

-روایات

در مجمع می گوید از ابی جعفر (ع) روایت شده که فرمود: منظور از باطل سوگند دروغ است، که به وسیله آن اموال مردم را برابند. این یکی از مصادیق باطل است و آیه شریفه مطلق است. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۵۲).

امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «اگر مالی به ناحق به کسی داده شده باشد. آن اموال را ولو مهر زنان شده باشد، بازستانده و به بیت المال برمی گردانیم» (نهج البلاغه/خطبه ۱۵) به روشنی پیداست که تصاحب و تملک بدون استحقاق اموال بیت المال، به نوعی یک جرم مقدم است که با به جریان انداختن این اموال کثیف و نامشروع در مانال های مشروع (برای مثال، پرداخت به عنوان مهریه زنان) به تطهیر آن ها پرداخته شده است. بنابراین اموالی از این قبیل در هر موقعیتی که یافت شوند باید به حال اولیه خود باز گردانده شوند و با مرتکبین آن ها نیز برخورد شود.

بر اساس آن چه گفته شد به دست می آید که از نظر اسلام هر گونه تصرف در اموال باید بر اساس حق عدالت و قسط باشد و هر چه غیر از این باشد حرام و باطل است.

یکی از پرسش های اساسی در زمینه جرایم اقتصادی از جمله کلاهبرداری رفاهی این است که آیا جرم انگاری باید تنها توسط قرآن و ائمه اطهار (ع) صورت گرفته باشد تا مال به دست آمده حرام تلقی گردد یا این که حرمت بر جرم انگاری صورت گرفته توسط فقیه جامع الشرایط و ولی فقیه نیز مترتب است؟ از طرف دیگر، در بسیاری موارد، جهت برخورداری از امتیازات مالی دولتی یا عمومی، شرایطی تعیین می گردد که فقیه جامع الشرایط دخالتی در تعیین آن شرایط ندارد. آیا در این حالت نیز در صورت تخطی از آن شرایط، عایدات مالی مشمول اکل مال به باطل است؟ به عبارت دیگر، آیا مصادیق اکل مال به باطل که توسط فقیه یا ماذون از طرف او تعیین شده دارای حرمت است؟

پرسش مهم تر آن است که آیا اخذ هر گونه مالی نیاز به مجوز شرعی دارد؟ در صورتی که مجوز شرعی نداشته باشد حرام است؟ در این صورت، آیا به دست آوردن هر گونه درآمد بدون مجوز شرعی، قابل تعریض است؟ آیا مجوز حکومتی نیز دارای آثاری مانند مجوز شرعی است؟ در پاسخ به برخی از این پرسش های اساسی، باید گفت که با توجه به کلام فقها دو نوع باطل وجود دارد:

۱) باطل واقعی یا شرعی: به تمام چیزهایی که در شرع مقدس، نامشروع، حرام و به بطلان آنها تصریح شده باشد گفته می شود؛ مثل سرقت از بیت المال، غصب.

۲) باطل عرفی یا عقلی: تمام چیزهایی که بر اساس فهم و درک عرف باطل باشد باطل عرفی نامیده می شود.

مانند نکاح برادر و خواهر در جامعه اسلامی، استخدام کارگر زن در بنگاه های ملکی

بنابراین با توجه به دو نوع باطل شرعی و عرفی باید دید منظور از باطل در آیات اکل مال به باطل کدام است؟ در این مورد بین فقها اختلاف نظر است. صاحب کنز العرفان در ذیل آیه ۲۹ سوره نساء آورده که باطل شامل هر آنچه می شود که شارع آن را مباح نکرده است، از جمله سرقت، خیانت و عقود فاسد (فاضل مقداد، ۱۳۸۴، ص ۳۳) بنابراین ایشان معتقد به باطل شرعی هستند. صاحب مصباح الفقاهه هم قائل به باطل واقعی یا شرعی است. به تعبیر دیگر، ایشان قائل اند که هر چه در شرع و به موجب آیات و روایات به بطلان آن تصریح شده، مشمول قاعده است (موسوی خویی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱).

تشخیص و فهم باطل زمانی به عرف واگذار می شود که در مورد بطلان یا عدم امری، از ناحیه شرعی نصی در دست نداشته باشیم و یا مصادیق آن بیان نشده باشد به بیان دیگر فهم عرف در صورتی کارساز است که شرع نسبت به آن ساکت باشد. بر همین اساس جرایم اقتصادی، جرایم مالیاتی، جرم کلاهبرداری رفاهی یا کلاهبرداری از دولت بطلان عرفی بوده و مشمول حرمت ذکر شده در آیه می گردند.

۲-۲- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از معروف ترین قواعد حقوق اسلام است که در طول تاریخ فقه نظرات مختلفی پیرامون مفاد و آثار آن ارایه شده است. در حقوق خارجی قواعدی مشابه با این قاعده وجود دارد که در مبحث اصول یا مولفه های حقوقی جرم انگاری جرم کلاهبرداری رفاهی به آن پرداخته ایم.

اما در تحلیل اصل لاضرر در جرم کلاهبرداری رفاهی می توان بیان کرد. حکم حکومتی بودن قاعده لاضرر این خصوصیت را دارد که بر اساس آن می توان برای اعمال مدیریت به طور کلی مدیریت اقتصاد و امتیازات رفاهی جامعه و کشور اقدام به جرم انگاری نمود. قاعده «الضرر یدفع بقدر الامکان» نیز به نوعی توجیه کننده مجازات برای جرم کلاهبرداری رفاهی بر اساس اصل لاضرر می تواند باشد. یعنی بر اساس عمل به مصالح مرسله، دفع ضرر قبل از وقوعش با تمام وسایل ممکن واجب است. از این رو ست که جهاد برای دفع شر دشمنان مشروع شده است و مجازات ها برای از بین بردن جرم واجب شده است. هم چنین بنا به قاعده «الضرار یزال» جبران ضرر در جرم کلاهبرداری رفاهی باید مورد توجه قرار گیرد. (صیقلی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۷)

اما طبق اصل لاضرر در جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی، مقدار ضرر لازم برای جرم انگاری چیست؟ در این مورد در فقه می توان هر گونه ضرر به بیت المال را طبق آیات و روایات متعدد جرم انگاری کرد. حقوق کیفری داخلی در مورد کلاهبرداری رفاهی ساکت است. اما اگر جرم کلاهبرداری رفاهی را یکی از انواع جرایم اقتصادی بدانیم، سیاست جنایی ضابطه خود را بر تقسیم بندی تخلفات اقتصادی به خرد و کلان، بنا می کند و با تعریفی که از جرایم خرد یا کلان به دست می دهد و تصمیمی که می گیرد نسبت به جرم انگاری تخلفات اقتصادی کلان یا هر دو اقدام می کند. سیاست جنایی در حال حاضر در ایران بر جرم انگاری تخلفات اقتصادی کلان متمرکز است و در زمینه جرم انگاری تخلفات خرد، سیاست اهمال را در پیش گرفته است. ضابطه تعیین شده برای جرایم اقتصادی در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی موید این امر است (مهدوی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵).

۳-۲- اصل مصلحت

برخی از فقهای شیعه در تعریف مصلحت گفته اند: مصلحت عبارت است از آن چه با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو موافق بوده و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۳). تعریف نسبتاً جامعی که از مصلحت در امور حکومتی به عمل آمده چنین است: «مصلحت عبارت است از تدبیری که دولت اسلامی به منظور رعایت منافع مادی و معنوی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شارع مقدس اتخاذ می کند» (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۵).

پیامبر اکرم (ص) هم در ۱۳ سال اول بعث در مکه بر مبنای مصالح امور مسلمین و حفظ اسلام احکام حکومتی صادر می نمود. در روایات نیز آن چه در مورد مصلحت است توسط حضرت علی (ع) که تجربه حکومتی داشته اند، بیان شده است. حضرت علی (ع) هنگام شمارش حقوق خود بر مردم می فرماید: «حق بر شما این است که هر گاه شما را برای کاری خواندم اجابت نمایید و فرمانم را اطاعت کنید». (نهج البلاغه/خطبه ۳۴)

اصل مصلحت در احکام ثانویه و حکومتی می تواند مبنای جرم انگاری جرم کلاهبرداری رفاهی قرار بگیرد. احکام ثانویه زمانی صادر می گردند که به دنبال اوضاع خاص و استثنایی و به سبب ناتوانی از انجام احکام اولی باید به طریق دیگری عمل نمود. احکام حکومتی نیز احکامی هستند که ولی فقیه با توجه به مصلحت جامعه و برای حفظ نظام حکومتی مقرر می دارد؛ به عنوان مثال، تجارت بر اساس رضایت طرفین در اسلام آزاد است. حرام دانستن تجارت حلال و آزاد تحت عنوان قاچاق کالا حکمی حکومتی است.

احکام ثانوی در طول احکام اولی هستند، نه در عرض آنها؛ یعنی از نظر رتبه، حکم ثانوی در مرحله بعد از حکم اولی است، نه این که در یک رتبه قرار داشته باشند. در تعارض بین دلیل احکام ثانوی با دلیل احکام اولی، حق تقدم با دلیل احکام ثانوی است؛ زیرا دلیل حکم ثانوی بر دلیل حکم اولی حکومت دارد و به عبارت دیگر، دلیل حکم به عنوان ثانوی برای یک موضوع، همواره بیان کننده گستره حکم همان موضوع با عنوان اولی آن است. (باقرزاده، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰).

از نظر فقهای متاخر امامیه، حکومت اسلامی می تواند هر قانونی که مطابق با مصلحت نظام است، وضع و ناقصان آن را تعزیر کند، هم چنان که قاعده فقهی حفظ نظام عباد، تاسیس مهمی است که حاکم اسلامی می تواند از آن برای تعزیر متخلفان و متجاوزان به نظام بهره گیرد (عینی نجف آبادی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷).

در جرم کلاهبرداری رفاهی رفتار ارتكابی خود به خود جرم است چون کسب امتیازات رفاهی و مالی غیر قانونی از دولت جرم است چون امتیازات رفاهی و مالی از دولت مستحق افرادی که دارای شرایط امتیازات رفاهی و مالی می باشند است، نه اشخاصی که با جعل مدارک خود را شایسته آن امتیازات می داند. بنابراین عدم پرداخت مبلغ و لغو امتیازات رفاهی که حکومت اسلامی پرداخت و لغو آن را جهت حفظ نظام اقتصادی ضروری دانسته، این رفتارها جرم انگاری شده اند. عبارت از اضرار به مصلحت و نظم عمومی است. هر گاه این وصف در رفتار مرتکب وجود داشت، مستحق مجازات خواهد بود و حاکم باید او را به یکی از مجازات های تعزیری که آن را مناسب تشخیص می دهد محکوم کند.

۴-۲- اصل نظم

یکی از اصولی که می توان بر اساس آن اقدام به جرم انگاری نمود، اصل نظم است. حضرت علی (ع) تقوا و نظم را در یک سطح قرار داده و می فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ^۱». (نهج البلاغه/ نامه ۴۷) از طرف دیگر، جرم انگاری بر اساس اصل نظم در امور اقتصادی دارای سابقه در متون فقهی است که در این مورد می توان کلاهبرداری رفاهی را نام برد.

کلاهبرداری رفاهی از جرایم اقتصادی است. فقها در کتب خویش از کلاهبرداری رفاهی به معنای امروزی و با همان تصویری که امروزه از آن در ذهن حقوق دانان وجود دارد ذکری به میان نیاورده و مطالبی در این خصوص عنوان ننموده اند. دلیل این امر فقدان دولت و حکومت به معنای امروز و به وضع فعلی است. بر اساس اصل نظم چنانچه مامور دولت مال یا امتیازات رفاهی را به غیر حق به دیگری بدهد یا در امور خیریه مصرف کند. از آنجایی که رعایت نظم در امور دینی و دنیوی از واجبات است و مامور دولت موظف به رعایت نظم در انجام وظیفه خود می باشد و با تصرف غیر قانونی و یا کلاهبرداری افراد از دولت بر خلاف نظم عمل کرده است از این حیث مستحق تعزیر است (نورزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹).

۲-۵- اصل امانت داری

در اسلام، امانت داری یکی از اصول مهم اخلاقی است. در حوزه عمل اقتصادی نیز به عنوان اصل اساسی مطرح شده است. خداوند درباره شرایط مدیر اقتصادی بر اصل امانت داری به عنوان شرط تصدی اقتصادی تاکید می کند (سوره یوسف، آیه ۵۵) کسانی که اهل خیانت هستند نباید مسئولیتی به عهده آنان گذاشته شود. این افراد از نظر خداوند از دایره عدالت بیرون و جزو ظالمان شناخته و معرفی می شوند (سوره احزاب، آیه ۲۷). زیرا ریشه خیانت همین روحیه ستمگری و ظلم ایشان است.

اداره اموال بیت المال نیازمند افرادی است که امین باشند. لذا هر گونه تصرف بدون مجوز امین در اموال بیت المال یا اخذ بدون مجوز مال از مردم است، باطل است. لذا در جامعه اسلامی هم دخل و خرج هم تولید و هم توزیع باید با معیارهای صحیح و مشروع انجام پذیرد (اسماعیلی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۹).

لذا، هر گونه تصرف در اموال دولتی که بدون مجوز و اذن از طرف ولی فقیه یا قانون باشد، خلاف اصل امانت داری تلقی شده و تحت عنوان کلی «خیانت در بیت المال» از جرایم اقتصادی تلقی می گردد. جرایمی مانند اختلاس، مداخله مقامات مسئول در معاملات دولتی، تبانی در معاملات دولتی و تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت جرایمی هستند که در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جرم اقتصادی دانسته شده و مبنای جرم انگاری آن ها نیز خیانت در امانت نسبت به اموال بیت المال است.

در عین حال، این ایراد به ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی وارد است که مصادیق خیانت در اموال بیت المال را بسیار محدود در نظر گرفته است. استفاده از رانت اطلاعاتی جهت بر خورداری از مزایای اقتصادی، اعطاء خلاف قانون تسهیلات بانکی، اخذ امتیازات رفاهی و اقتصادی غیر قانونی توسط مقامات دولتی و کلاهبرداری رفاهی و... از جمله تخلفات اقتصادی است که می توان آن ها را بر اساس اصل امانت داری جرم انگاری نموده و آن ها را جرم اقتصادی دانست.

۳- مولفه های حقوقی جرم انگاری در کلاهبرداری رفاهی

^۱ شمارا سفارش می کنم به تقوا و نظم در کارها

در نظام حقوق کیفری ایران مبانی جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی از جمله «اصل ضرر» «اصل امنیت» «اصل پدرسالاری» «اصل اخلاق گرای قانونی» است که مورد بررسی می شود.

۱-۳- اصل ضرر

اصل ضرر به عنوان مهم ترین معیار محدود کننده آزادی تعیین می نماید که در یک جامعه متمدن تنها مورد توسل به قهر و اجبار در رابطه با افراد، بازداشتن آنها از زیان رساندن به دیگران است؛ زیرا مصلحت خود فرد نمی تواند تضمین کافی در این امر باشد و با توجه به این مصلحت عام حداکثری آزادی است، زیان رساندن به دیگران را باید بر این اساس سخت گیران تعریف کرد (Rees, 1960: p. 196). برای تعیین دقیق مرز دخالت دولت برخی هم چون جان ریز معتقدند منظور از ضرر به دیگران همانا ایراد آسیب به منافع دیگران است. وجود منافع وابسته به این است که اجتماع آن ها را به رسمیت بشناسد و آن منافع با معیاری های حاکم در مورد نوع رفتاری که شخص می تواند به گونه ای مشروع از دیگران انتظار داشته باشد ارتباط نزدیکی داشته باشد (Hart, 1963: p. 87-107). بر اساس این رویکرد، کارکرد حقوق کیفری مداخله در زندگی خصوصی افراد یا تلاش برای اعمال الگوهای خاص رفتاری نیست. بر این مبنا، محدوده فعالیت فرد تا جایی مجاز است که به دیگری ضرر نرساند. (Faure and visser, 1995: p. 2470).

از نظر میل، دولت هنگامی مجاز به ورود به منطقه آزاد رفتاری شهروندان است که اصل صیانت ذات، به خطر افتاده باشد و این اصل، زمانی به خطر می افتد که رفتار شهروندان، موجبات ضرر به دیگری را فراهم آورد. با تامل و تعمق در آرای میل یک خلأ نقطه ابهام^۱ در مباحث مربوط به اصل صدمه احساس می شود که وی به آن نپرداخته و فینبرگ آن را این گونه بر طرف نموده است: اگر می خواهیم اصل ضرر موجبات دخالت بی اندازه دولت را در پی نداشته باشد، باید برای «شدت» ضرر ملاکی به دست دهیم. چه بسا هر نوع رفتار آدمی می تواند متضمن ضرری به دیگری باشد، ولی آیا این مقدار برای تعیین مرز کیفردهی کافی است؟ بی تردید جواب منفی است. بدین ترتیب، فینبرگ اصل ضرر را در اعمالی احصا می کند که در صورت بروز، سزاوار عنوان مجرمانه هستند:

-اعمالی که ضرر خاصی را نسبت به فرد یا گروهی خاص ایجاد کنند؛

-خطر غیر متعارفی که ایجاد ضرر را در پی داشته باشد، هم چون رانندگی همراه با بی پروایی؛

-اعمالی که به فضای عمومی جامعه، محیط زیست، اقتصاد و... ضرر وارد کنند (Feinberg, 2005, p. 12).

در واقع محور بحث در مورد جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی به دسته سوم تقسیم بندی فینبرگ برمی گردد؛ یعنی اعمالی که دو ویژگی اساسی دارند که از سایر اعمال مجرمانه متمایز می شوند: اول این که این اعمال به کل جامعه ضرر وارد می کنند و قربانی خاص دارند و دیگر این که آگاهی از وقوع این اعمال بسیار دشوار است (Ehich, guinn, 2003, p. 4).

۲-۳- اصل امنیت

امنیت در نگاه سنتی به ویژه از نظرگاه دولت مردان در به کارگیری ابزارهای نظامی، جدید تمامیت ارضی و دفاع از حیات افراد جامعه خلاصه می شد. آن چنان که هایس معتقد است: «صلح و امنیت برای رهایی از ترس دائمی از مرگ و ابتلائات فیزیکی و جسمی است». اما کم کم با پیچیده تر شدن روابط اجتماعی، امنیت مفهومی موسع به خود می گیرد و نه تنها امنیت فیزیکی و

^۱ The lacuna

ملموس، بلکه آسایش روانی افراد جامعه را در ابعاد مختلف زندگی نیز به همراه دارد (پازارکاد، ۱۳۷۶، ص ۶۶۸، محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ص ۸).

بدین ترتیب، در قرون گذشته، امنیت بیشتر معطوف به حمایت از جامعه در قبال تجاوز بیگانگان می شد، بدین معنا که دولت ها برای ایجاد امنیت شهروندان خود، اقدامات توسعه طلبانه بیگانگان را محدود می کردند، اما در مفهوم جدید امنیت شهروندان، باید با رفتارهای انحرافی قلیلی که امنیت کثیری را بر هم می زنند، مقابله کنند. در واقع به مفهوم کنونی، امنیت مانند اصل صدمه، محلی برای مشروعیت و مقبولیت ورود دولت در منطقه آزاد رفتاری شهروندان و ایجاد محدودیت برای تامین امنیت آنان است. بنابراین امنیت دارای سلسه مراتب و سطوح مختلفی است که متناسب با این تقسیم بندی ها، دولت ها تدابیر تحدیدی ویژه ای را اتخاذ می کنند. از مهم ترین سطوح امنیت می توان به امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی اشاره کرد که در هر سطح، واکنش دولت ها علیه عامل نا امنی متفاوت است (کرم پور، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵). لیکن با توجه به این که جرم کلاهبرداری رفاهی به امنیت اقتصادی دولت ها آسیب بیشتری وارد می کنند. باید هر لحظه نمایندگان دولت ها را با آن آشنا کرد و از ورود ضررهای اقتصادی جامعه جلوگیری کرد.

۳-۳-۳-۳-۳ پدرو سالاری قانونی

قیم مآبی عبارت است از عمل کردن به خیر و صلاح دیگران، بدون رضایت ایشان آن گونه که پدر برای فرزندان خویش می کند. در معنای سیاسی عبارت است از این که دولت می تواند به مانند یک پدر برای جامعه، مردم را نه تنها از انجام اموری که به زیان دیگران است به اجبار منع کند، بلکه چنانچه این رفتار به ضرر خودشان نیز باشد، از انجام آن جلوگیری کند. مسدود سازی برخی از امکانات فضای سایبر از سوی دولت ها را می توان در چنین رویکردی توجیه کرد که بر مبنای آن محافظه کاران بر قدرت و اقتدار سیاسی فراگیر دولت در فضای سایبر تاکید می کنند و در این دیدگاه به مصلحت عمومی، نقش اجتماعی و اقتصادی دولت و نظارت اجتماعی و اخلاقی، بیش تر تاکید می گردد (Feinberg, ۲۰۰۳: p. ۱۲-۲۰). به نظر می رسد قانون گذار اعمالی را بر علیه دولت که از یک سو، اخلاق متعارف اجتماع آن ها را بر نمی تابد و از سوی دیگر، آن اعمال با اصولی هم چون اصل ضرر قابل کیفر نباشند مطابق اصل قیم مآبی حقوقی توجیه می کند. این شکل از پذیرش، نشانه نرم اصل قیم مآبی حقوقی است که تنها مداخله محدود و موقت جامعه و دولت را توجیه می کند (کی نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۲). بنابراین قانون گذار بر اساس اصل قیم مآبی می تواند، اعمال و رفتارهای اخذ غیر قانونی امتیازات از دولت یا کلاهبرداری رفاهی که تحقق می یابد ولی اصل ضرر آن را قابل کیفر نمی داند، مطابق اصل قیم مآبی حقوقی توجیه کند.

۳-۳-۴-۳-۴ اخلاق گرایی قانونی

مباحث فراوانی در نقص اخلاق در جامعه و حمایت دولت با پیشخوانه کیفری از آن روی داده است و جدال بین اخلاق گرایان که طرف دار حقوق طبیعی هستند و واقع گرایان پوزیتیویست که اخلاق را به مسلخ تمایل جمعی اجتماع می برند، پایان ناپذیر است (فروغی، ۱۳۸۳، ص ۳۸). در دو بند گذشته دو اصل ضرر و امنیت بررسی شد که فحوای آن دو، در علل توجیه مداخله دولت در جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی بود. اینک از دیدگاهی متفاوت به تحلیل پرداخته می شود. از این دیدگاه به منظر مردم جامعه مراجعه می شود، از این حیث که اخلاق حاکم بر رفتارهای مردم چگونه نقض می شود.

بنابراین جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی را می توان از منظر اخلاق گرایی قانونی نیز مورد بحث قرار داد. جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی از این منظر مستلزم توجه به رابطه بین حقوق و اخلاق است. پیوند بین اخلاق و حقوق را می توان در اندیشه های مربوط به حقوق طبیعی و فطری جستجو کرد و البته با گرایش به رویکرد پوزیتیویستی به حقوق در دوران مدرن، این پیوند تا حدی کم رنگ شده است. تناقض زمانی می تواند طرح شود که حقوق به انجام کاری امر کند که اخلاق آن را ممنوع دانسته است (وکیو، ۱۳۸۶، ص ۴۷). از این رو اگر بپذیریم که عمل مفروض، موافق با اصل سلوکی (اخلاق) است، از این طریق پذیرفته ایم که نباید هیچ عمل ناسازگاری دیگری با آن از طرف فردی دیگر انجام شود. آن چه که یک فرد مجاز به انجام آن است نباید از طرف فردی دیگری مورد ممانعت واقع شود (وکیو، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

طرف داران اخلاق گرایی قانونی استدلال می کنند که حمایت از اخلاق عمومی و جامعه نیز از وظایف دولت است و حتی برخی آن را تنها وظیفه حقوق کیفری قلمداد کرده اند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰). بر اساس این نظریه، صرف غیر اخلاقی بودن رفتار برای جرم انگاری آن کافی است. در این راستا بکاریا از بنیان گذاران حقوق جزای نوین بیان می دارد که آدمیان برای تخلفاتی که تصور می کنند ممکن است لطمه ای به آنان وارد سازد. آن قدر اهمیت قائل نیستند تا این تخلفات موجب برانگیختن نفرت عموم نسبت به مرتکب آن شود (بکاریا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷). برای اثبات قابلیت جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی بر مبنای نظریه اخلاق گرایی قانونی، باید ثابت شود که کلاهبرداری رفاهی، کاری غیر اخلاقی است. اگر توجه داشته باشیم که کلاهبرداری رفاهی تصرف در اموال و امتیازات دولتی است که از یک عمل مجرمانه ناشی شده است و با نیت احسان یا حالت ضرورت و یا مسائلی از این قبیل که می تواند تحت شرایطی، مداخله بدون اذن در اموال دولت را تجویز کند انجام نمی شود، در قبح اخلاقی آن تردید نخواهیم کرد.

موضوع جرم کلاهبرداری رفاهی عواید حاصل از جرم است و البته این عواید اعم از آن است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت های مجرمانه حاصل شده باشد. از سوی دیگر، این جرم از جرایم عمدی بوده و علم مرتکب به منشا نامشروع مال و امتیاز ضروری است که این علم در صورتی که مرتکب جرم منشا باشد و در خصوص سایر اشخاص نیازمند اثبات است (بابایی کنگ لو و رستمی غازی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳). مصادیق عمدی تجاوز به اموال دولت ها از گذشته های دور در قالب ممنوعیت هایی چون سرقت، کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع و ... جرم انگاری شده بود و با همان مبنا می توان این را به جرم انگاری کلاهبرداری رفاهی نیز تعمیم داد.

نتیجه گیری

منظور از کلاهبرداری رفاهی، فریب دادن نهادهای دولتی برای اخذ امتیازهای رفاهی بیشتر است. هر گونه تصرف در اموال دولتی که بدون مجوز و اذن از طرف ولی فقیه یا قانون باشد، خلاف اصل امانت داری تلقی شده و تحت عنوان کلی «خیانت در بیت المال» از جرایم اقتصادی تلقی می گردد. هر چند در ابتدا تصور می شود کلاهبرداری رفاهی در قانون ایران جرم انگاری نشده ولی باید گفت قانونگذار در جرم انگاری رفتارها این اصطلاح را به کار نبرده است ولی در جرایم اقتصادی اختلاس، مداخله مقامات مسئول در معاملات دولتی، تبانی در معاملات دولتی و تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت جرایمی هستند که در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی جرم اقتصادی دانسته شده و مبنای جرم انگاری آن ها نیز خیانت در امانت نسبت به اموال بیت المال است. بنابراین قانونگذار ایران نسبت به جرم انگاری تخلفات اقتصادی کلان سیاست جنایی جرم انگاری تخلفات اقتصادی کلان متمرکز است و در زمینه جرم انگاری تخلفات خرد، سیاست اهمال را در پیش گرفته است. در جرم کلاهبرداری رفاهی رفتار ارتكابی خود به خود جرم است چون کسب امتیازات رفاهی و مالی غیر قانونی از دولت جرم است. هم چنین امتیازات رفاهی و مالی از دولت مستحق افرادی که دارای شرایط امتیازات رفاهی و مالی می باشند است، نه اشخاصی که با جعل مدارک خود را شایسته آن امتیازات می داند. بنابراین عدم پرداخت مبلغ و لغو امتیازات رفاهی که حکومت اسلامی پرداخت و لغو آن را جهت حفظ نظام اقتصادی ضروری دانسته، این رفتارها جرم انگاری شده اند. عبارت از اضرار به مصلحت و نظم عمومی است. هر گاه این وصف در رفتار مرتکب وجود داشت، مستحق مجازات خواهد بود و حاکم باید او را به یکی از مجازات های تعزیری که آن را مناسب تشخیص می دهد محکوم کند.

پیشنهادها

اصلاح قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و قانون جرایم رایانه ای در جهت گسترش دایره شمول جرم کلاهبرداری رفاهی در فضای مجازی و در برگرفتن کلاهبرداری رفاهی. جرم انگاری درپرتو در سیاست جنایی مشارکتی که اعمال آن در مورد جرایم سایبری هم ممکن است و هم ضروری است. ضمن کاستن از بار سنگین دستگاه عدالت کیفری به دستیابی به یک قانون کارآمد و هزینه های دولت. (ضرورت جرم انگاری مستقل). افزایش ابعاد حقوقی بسیاری از جرایم کلاهبرداری رفاهی که از عواقب کمتر و ماهیت ساده تری برخوردارند و کیفر زدایی نسبت به آن ها .

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

الف: منابع فارسی

- اسماعیلی، اسماعیل، (۱۳۷۳)، اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، کاوشی نو در فقه اسلامی (مجله فقه)، شماره اول، سال اول، ص ۱۲۹.
- بابایی کنگ لو، جابر و امید رستمی غازانی، (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرم پول شویی با نگاهی به سیاست جنایی تقنینی، مجله کارآگاه، شماره ۱۰، ص ۱۱۳.
- باقرزاده مشکئی باف، محمد تقی (۱۳۹۵) «عناصر تعیین کننده در حل مسائل مستحدثه، پژوهشنامه علوم و فرهنگ اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۴
- بجنوردی، حسن، (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، ج ۲، تحقیق: مهدی المهریزی، محمد حسین الدرایتی، الطبعة الولی، قم، نشر الهادی.
- بکاریا، سزار، (۱۳۸۶)، رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ پنجم، تهران، میزان،
- پازارکارد، بهاءالدین، (۱۳۷۶)، تاریخ فلسفه سیاسی، چاپ چهارم، تهران، جاودانه.
- جانن پور، کرم، معروفی، مختار، (۱۳۹۲)، تحلیلی در لزوم جرم انگاری پول شویی (با نگاهی تطبیقی به مدل جرم انگاری پالایش)، آموزه های حقوق کیفری.
- صیقلی، محسن؛ لاجوردی، سمانه؛ کلاه مال همدانی، احمد (۱۳۹۸) کاربرد قاعده لاضرر و لاضرار در مدیریت مبارزه با قاچاق کالا و ارز از منظر فقه شیعه، ماهنامه اقتصاد پنهان
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، قم، اسماعیلیان.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، جلد یک تهران، مرتضوی.
- عینی نجف آبادی، محسن، (۱۳۷۲)، مبناء و ماهیت تعزیر، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- قیاسی، جلال الدین، (۱۳۹۳)، تحصیل متقلبانه خدمات، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۳۸۴)، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، قم نوید اسلام.
- فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، سیر حکمت در اروپا، تهران، هرمس.
- کی نیا، محمد (۱۳۹۴)، امضای الکترونیک، نشر میزان.
- گسن، ریمون (۱۳۸۹)، جرم شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۲)، نظام کیفر دهی هدف ها و ضرورت ها، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۵) تحصیل نامشروع مال در حقوق اسلامی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلام

- موسوی خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهه، ج ۲، قم، داوری.
- مهدی، محمود، ساداتی، محمد مهدی، حسینی، محمد، (۱۳۹۶)، مبانی جرم انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴، شماره ۱.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، مباحثی در علوم جنایی تقریرات درس جرم شناسی، تهیه و تنظیم فاطمه قناد.
- ایت، راب، هینس، فیونا (۱۳۸۶)، در آمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه روح الله صدیق بطحایی، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
- واعظ، زهرا (۱۳۹۰)، پس لرزه پیامک های یارانه ای، روز نامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۰۱، ۲۳ اسفند.
- وکیو، دل، (۱۳۸۶)، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، چاپ دوم، تهران، میزان.
- هاشمی، سید حسین، (۱۳۸۱)، مجمع تشخیص مصلحت نظام، تحلیل مبانی فقهی و حقوقی قم، قم: مرکز مطالعات و پژوهش های اسلامی.
- ب: منابع انگلیسی

Barhow, Hugh D. Introduction to Criminology, **third E dition, Boston:** little Brown and Company, ۱۹۸۴

Campbell, Henry, **Blak law Dictioncy, Eifth Edition, Sint Paul Minn, west publishing Co,** ۱۹۷

Effendi, Rusli et Ali, **Mas alah Kriminalisasi dan Dekriminalisasi dalam Rangka pembaruan Hukum Nasion,** ۱۹۸۶

Feinberg, joel, Harm to Others, **Oxford, Ox ford University Press,** ۲۰۰۲-

Castberg, F, Freedom of speech in the West: **a comparative study of public law in F rance, London:** georg Allen and Unwin limited. ۱۹

Feinberg, Joel: **The Moral Limits of Criminal Law: Harm to self,** vol. ۳, Oxford nuiverity press, New York, ۲۰۰۳.

Faure, M and M visser, **How to punisch Environmental pollution?** Some Reflection on Various Models of Criminalization on Enviromental Harm, ۱۹۹۵.

Hart, I, A, **law Liberty and morality,** Stanford univerty press Stanford and California, ۱۹۶۳

Rees, J.C. A Re-reading of Mill on liberty political studies, **reprinted in Radcliff(ed) Limits of Librety political studies,** no ۲, ۱۹۶۰.

Toward stable and Effectiv Use Of Cy berspace, **The Feasibility of Fulfilling the Scam Cyberspace Ministry of Defence, Japa,** September ۲۰۱۲.

Soekanto, soerjon, **kriminologi Suatu Pengantar,** Cetakan Pertama, Jakarta, Ghalia Indonesia, ۱۹۸۱

Jurisprudential and legal bases of criminalizing welfare fraud in Iran

Abstrac

Welfare fraud is deceiving government agencies to obtain more welfare benefits. The purpose of the current research is to explain and comprehensively study the jurisprudential and legal foundations of the criminalization of welfare fraud in Iran, which has investigated the issue with a descriptive and analytical method. The findings of the research indicate that: Welfare fraud is one of the economic crimes and in terms of jurisprudence, it is a crime against the treasury and illegal acquisition of wealth. In fact, the perpetrators of the aforementioned crimes are intelligent people and can benefit from the results of their criminal activities only through welfare fraud. Fraudsters also commit the crime of welfare fraud because of legal loopholes and with more creativity. The basics of criminalizing the crime of welfare fraud in jurisprudence are: the principle of sanctity of property, the principle of harmlessness, the principle of expediency, the principle of trustworthiness, the principle of order, and its legal foundations such as the principle of harm, the principle of security, the principle of legal patriarchy, the principle of moralism It can be called legal. Based on these principles, the criminalization of welfare fraud can be justified.

Keywords: Welfare fraud, Criminalization, Islamic Jurisprudence, Iranian law.